

Political economy of Resistance strategy in the foreign policy of I.R.Iran

Esmaeal Esfandyari*

Received: 2021/02/13

Mohammadrahim Eivazi**

Accepted: 2023/01/16


Ramin Valizadeh Meidani***

One of the issues raised today in the public opinion and the scientific community of the country is the questions and ambiguities regarding the relationship between the economic situation of the country and the role of the I.R.Iran in the resistance front. The main question in this article is about the impact of the role of the I.R.Iran in the axis of resistance on national interests from the perspective of political economy. In this article, as much as possible, we have tried to address all the political and economic components at both domestic and foreign levels, which are somehow related to explaining the position of the economy in the case of supporting the axis of resistance. It is obvious that running a country in a chaotic environment on the one hand and good governance to achieve maximum satisfaction of individuals on the other hand, has implications that logic dictates to look at all issues in a systematic way and avoiding comprehensive analytical reductionism in order to explain the position of the economy in the process of managing the resistance. The novelty of the article is that the issue of the country's economy and at the same time the role of the Islamic Republic of Iran in the axis of resistance has been studied in a field of internal and external components.

Keywords: Axis of resistance, Economic development, Foreign policy, Grounded theory method, I.R.Iran, Political economy, Resistance Front, Security.

* PhD in Political Science, Political Sociology department, Shahid University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

esfandyari@isu.ac.ir

 0000-0001-9784-3837

** Professor of Political Science, Faculty member of Shahid University, Tehran, I.R.Iran.

ra.eivazi@yahoo.com

*** PhD student in Political Science (Political Sociology), Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

asemanehaphht@gmail.com

 0000-0002-1083-4776

اقتصاد سیاسی راهبرد مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶

مقاله برای بازنگری به مدت ۳۳۸ روز نزد نویسندگان بوده است.

اسماعیل اسفندیاری*

رحیم عیوضی**

رامین ولی‌زاده میدانی***

چکیده

با توجه به جایگاه مباحث اقتصادی در تحولات جامعه ایران، در موضوع مقاومت یکی از پرسش‌های مهم این است که: نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در محور مقاومت چه ارتباطی با اقتصاد کشور دارد؟ ادعای نویسندگان، نگاه به این موضوع از منظر اقتصاد سیاسی است و قصد تحلیل صرفاً اقتصادی موضوع را ندارند. به نظر می‌رسد برای تبیین ارتباط این دو باید از منظر حکمرانی نگریست. در این مقاله سعی شده مؤلفه‌های اصلی در دو سطح داخلی و خارجی که به نوعی به تبیین جایگاه اقتصاد در پرونده حمایت از محور مقاومت ارتباط دارد، شناسایی و تحلیل گردد. برای این منظور نویسندگان با استفاده از نظریه ترکیبی اقتصاد سیاسی که دارای نه مؤلفه اساسی است، به تحلیل تأثیرات سیاست مقاومت بر منافع اقتصادی ایران پرداخته‌اند. نتایج حکایت از آن دارد که: سیاست حمایت از مقاومت می‌تواند به توسعه و تقویت فضای مانور ایران و سایر کشورهای حاضر در جبهه مقاومت برای تأمین منافع اقتصادی‌شان؛ و همچنین تقویت صلح و ثبات اقتصادی در منطقه کمک نماید.

واژگان کلیدی: اقتصاد سیاسی، امنیت، توسعه اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران، روش نظریه مبنا، سیاست خارجی، مقاومت.

* فارغ‌التحصیل دوره دکتری جامعه‌شناسی سیاسی از گروه علوم سیاسی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

esfandyari@isu.ac.ir

0000-0001-9784-3837

** استاد گروه علوم سیاسی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

ra.eivazi@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

asemanehapt@gmail.com

0000-0002-1083-4776

مقدمه

بیان مسئله: یکی از موضوع‌های مطرح امروز در افکار عمومی و جامعه علمی کشور ابهام‌هایی در خصوص ارتباط وضعیت اقتصادی کشور و نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در محور مقاومت است. به همین دلیل در سپهر سیاسی کشور شاهد طرح دیدگاه‌های موافق و یا مخالف متعددی هستیم که همه اینها حکایت از آن دارد که رابطه سیاست مقاومت ایران با اقتصاد ملی کشور، مساله‌ای مهم در حوزه مطالعات مقاومت به شمار می‌آید.

اهمیت: با توجه به تمرکز رسانه‌های خارجی بر موضوع مقاومت و تلاش مستمر ایشان برای تصویرسازی منفی از حمایت ایران از محور مقاومت، پژوهش حاضر از آن حیث که به بُعد اقتصاد سیاسی موضوع می‌پردازد، دارای اهمیت کاربردی در مقام تبیین موضوع نزد افکار عمومی جامعه است.

ضرورت: از آنجاکه موضوع اقتصاد و ملاحظات ناشی از آن در مدیریت سیاست خارجی و همچنین اقناع افکار عمومی دارای نقش محوری است، عدم توجه به اقتصاد سیاسی راهبرد مقاومت ایران، می‌تواند زمینه را برای تحدید سیاست خارجی و بروز انحراف در افکار عمومی مساعد سازد. براین اساس پژوهش حاضر دارای ضرورت راهبردی ارزیابی می‌شود.

اهداف: اصلاح و تقویت تصویر عمومی از سیاست خارجی ایران در حمایت از محور مقاومت، هدف اصلی این پژوهش را شکل می‌دهد. در این راستا، برجسته‌سازی بُعد اقتصاد سیاسی مقاومت و تبیین بُعد نرم‌افزاری امنیت ملی کشور با تمرکز بر حوزه افکار عمومی، دو هدف فرعی نویسنده‌گان می‌باشد.

سؤال‌ها و فرضیه: پژوهش حاضر فرضیه‌آزما نبوده و بر نظام سؤال‌ها استوار است. پرسش اصلی عبارت است از: نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در محور مقاومت چه تأثیری بر منافع ملی از منظر اقتصاد سیاسی داشته است؟ سؤال‌های فرعی نیز عبارت‌اند از: عوامل داخلی مؤثر بر اقتصاد سیاسی مقاومت کدامند؟ عوامل خارجی مؤثر بر اقتصاد سیاسی مقاومت کدامند؟

روش: پژوهش حاضر بر اساس هدف، کاربردی است و رویکرد محققان توصیفی

تحلیلی می‌باشد. برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و برای تحلیل آنها از روش «نظریه مینا» استفاده شده است. این نظریه ترکیبی از دیدگاه‌های داخلی و خارجی در حوزه اقتصاد سیاسی می‌باشد که توسط محققان در قالب الگوی تحلیل پیشنهادی سازمان‌دهی شده و در بخش مبانی نظری به تفصیل معرفی شده است.

۱. پیشینه

محور مقاومت به دلیل اهمیت نظری و کاربردی که دارد، موضوع پژوهش‌های متعددی بوده که در دو بخش زیر به آنها اشاره می‌شود:

۱-۱. سابقه مطالعاتی موضوع در نشریه دانش سیاسی

مقاله‌های متعددی در نشریه دانش سیاسی با موضوع مقاومت منتشر شده که عموماً به صورت غیرمستقیم به مباحث عملیاتی مقاومت در تاریخ تحول ایران مربوط هستند، اما با رویکرد مستقیم، می‌توان به مقاله مهدی‌پور (۱۳۹۸) اشاره داشت که در آن مدل مفهومی مقاومت در اندیشه رهبر انقلاب تبیین شده است. با این وصف، مقاله حاضر از حیث رویکردی متمایز با مقاله مهدی‌پور است.

۲-۱. پیشینه موضوع در سایر منابع علمی

آثار مختلفی در سایر منابع علمی به صورت مستقیم در باب مقاومت منتشر شده که با توجه به نوع رویکرد محققان آنها، می‌توان آثار مزبور را به سه دسته تقسیم نمود:
الف. آثاری که به تحلیل نظری ماهیت مقاومت و محور مقاومت پرداخته‌اند. برای مثال نساج و گودرزی (۱۴۰۰) از نظریه انترناسیونالیسم اسلامی برای تبیین ماهیت مقاومت سخن به میان آورده‌اند؛ حال آنکه محمودی رجا و باقری دولت‌آبادی (۱۳۹۷) از نظریه نظام جهانی استفاده نموده‌اند. زهدی و متقی (۱۴۰۰) از نظریه‌های رهبری برای فهم و تحلیل این پدیده مهم استفاده نموده‌اند و وزیریان، گل‌محمدی و علیزاده (۱۴۰۰) از نظریه بازدارندگی ناهم‌تراز بهره برده‌اند؛ چنان که آدمی و کشاورز مقدم (۱۳۹۴) از نظریه «مجموعه امنیتی» به عنوان «نظریه مینا» استفاده کرده‌اند.
ب. آثاری که ابعاد مختلف مقاومت را به بحث گذارده‌اند. قاسمی (۱۳۹۶) و همچنین

نوذری و مهرابی (۱۳۹۹) از منظر ژئوپلیتیکی به موضوع نگریسته‌اند؛ حال آنکه باقری و امیدی (۱۴۰۰) بُعد راهبردی محور مقاومت را برای ایران تحلیل نموده‌اند. در همین ارتباط کریمی (۱۳۹۶) از رویکرد هویتی به تبیین مسئله اهتمام داشته و بصیری، مجیدی‌نژاد و موسوی (۱۳۹۶) بُعد امنیتی آن را برای ایران تحلیل نموده‌اند. پ. آثاری که به معادلات قدرت در بحث مقاومت توجه داشته‌اند. در این خصوص می‌توان به حسینی و اسدالهی (۱۳۹۳) اشاره داشت که سیاست امنیتی آمریکا در قبال محور مقاومت را با تأکید بر کشورهای ایران و سوریه، مورد بحث قرار داده است. چنان‌که ملاحظه می‌شود نوشتار حاضر هم از حیث رویکردی و هم از نظر بُعدی که مورد توجه قرار گرفته (یعنی اقتصاد سیاسی) از منابع موجود متمایز بوده و مکمل آنها به شمار می‌آید.

۲. چارچوب مفهومی و نظری

مهم‌ترین مبانی مفهومی و نظری پژوهش حاضر به شرح زیر است:

۲-۱. مقاومت

تعاریف متعدد و متنوعی از مقاومت ارائه شده؛ که از حیث نظری می‌توان آنها را ذیل دو گفتمان اصلی مقاومت جای دارد (نک. افتخاری، ۱۳۹۲، صص. ۷۴-۸۹):

الف. گفتمان سلبی، که در آن مقاومت دلالت بر عدم پذیرش خواسته‌های سایر بازیگران دارد. در این تعریف، مقاومت جنبه واکنشی داشته و بیشتر در قالب سیاست‌های ایستادگی و مخالفت نمود پیدا می‌نماید.

ب. گفتمان ایجابی، که در آن مقاومت دلالت بر توانمندی‌های داخلی یک بازیگر دارد که امکان نفوذ و مداخله‌گری به سایر بازیگران را کاهش داده و یا منتفی می‌سازد. این مقاومت ریشه در ساخت، ویژگی‌ها و توان درونی جامعه دارد.

در پژوهش حاضر رویکردی ترکیبی مدنظر نویسندگان بوده و هر دو حوزه داخلی و خارجی مقاومت را از آنجاکه با ملاحظات اقتصاد سیاسی ارتباط دارند، شامل می‌شود.

۲-۲. اقتصاد سیاسی

اقتصاد سیاسی علمی است که مدیریت امور اقتصادی و سیاسی دولت‌ها را در تعامل با یکدیگر فهم و تدبیر نموده و از این حیث می‌تواند به هدفمندی و افزایش اثربخشی سیاست‌های دولت کمک نماید؛ چنان‌که می‌تواند بهره‌برداری و توان اقتصادی کشور را از ناحیه سیاست‌گذرای‌های دولت‌ها ارتقا بخشد (نک. نیکی تین، ۱۴۰۱، صص. ۲۷-۱۴). بررسی نظریه‌های مختلف در حوزه اقتصاد سیاسی حکایت از آن دارد که دو دسته از عوامل در تحلیل‌های اقتصاد سیاسی تاثیرگذار هستند:

الف. عوامل داخلی: فرهنگ سیاسی، نظام سیاسی، جمعیت، گسست‌های اجتماعی.
ب. عوامل خارجی: روندهای منطقه‌ای، الگوهای رقابت-همکاری، اتحاد-دشمنی.
در پژوهش حاضر الگویی ترکیبی مدنظر است؛ چراکه با تعریف ترکیبی مقاومت تناسب بیشتری دارد و توان بهتری برای تحلیل راهبرد مقاومت به ما می‌دهد. در این الگو، اقتصاد سیاسی در دو سطح داخلی و خارجی و با نه مؤلفه اساسی به شرح زیر تبیین و تحلیل می‌شود (نک: شکل شماره ۱).

شکل شماره (۱): الگوی ترکیبی تحلیل اقتصاد سیاسی



(طراحی توسط نویسندگان)

حال مستند به الگوی تحلیل ارائه‌شده، می‌توان راهبرد مقاومت جمهوری اسلامی ایران را در دو حوزه اصلی تحلیل نمود:

۳. تحلیل اقتصاد سیاسی مقاومت در حوزه داخلی

در حوزه داخلی چهار مؤلفه وجود دارد که تبیین نسبت آنها با مقاومت ضروری است:

۳-۱. جایگاه مقاومت در گفتمان دولت

جهت تحلیل نوع ارتباط «اقتصاد ملی-سیاست مقاومت» در سطح گفتمانی، توجه به مولفه های زیر ضروری است:

الف. رویکرد به مقاومت؛ هزینه یا سرمایه‌گذاری؟

در برخی از دولت‌های ایران، نگاهی صرفاً اقتصادی به این موضوع وجود داشته و دیگر عوامل مهم دخیل در این موضوع به صورت کم‌رنگ‌تری در نظر گرفته شده است. به عبارتی نگاهی هزینه‌ای به این موضوع وجود داشته و در سیاست خارجی حاکم بر این دولت‌ها مسئله تعمیق روابط اقتصادی با کشورهای دوست در محور مقاومت از ارزش بالایی برای تقویت اقتصاد ملی برخوردار نبوده است. برای مثال در برنامه اقتصاد سیاسی این دولت‌ها وزنی به استفاده از فرصت‌های اقتصادی حضور نظامی - امنیتی ایران در برخی از کشورها مانند سوریه و عراق در نظر گرفته نشده است.

ب. سیاست مقاومت؛ اعمالی یا اعلامی؟

در گفتمان‌های مختلف سیاست خارجی ایران تعاریف مفاهیم هویت ملی، منافع، اهداف و امنیت ملی، نظام بین‌المللی متفاوت است و این تفاوت برداشت تأثیر خود را بر رفتارهای سیاست خارجی در حوزه مقاومت داشته است. از این نظر اگرچه به صورت اعلامی در همه دولت‌های پس از انقلاب، حفظ دستاوردهای نهضتی انقلاب اسلامی و دفاع از مظلومان و مستضعفان و تقویت جریان‌های اصیل اسلامی اولویت داشته، اما در عمل پشتیبانی از این دستاوردها در دولت‌های مختلف با تنگنمایی روبه‌رو بوده است.

پ. مقاومت و منفعت، همسویی یا تعارض؟

بر اساس طبقه‌بندی‌های رایج از ارزش‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده منافع ملی کشورها، جمهوری اسلامی ایران، از نظر ماهوی دارای منافع ملی زیر می‌باشد: منافع دفاعی و امنیتی، منافع معطوف به نظم جهانی، منافع ایدئولوژیک و منافع اقتصادی یا رفاهی (نک: نکترا، ۱۳۵۶، فصول ۱ و ۲). این در حالی است که تمامی دولت‌هایی که پس از انقلاب بر سرکار آمده‌اند به صورت همزمان دنبال چهار هدف بالا برای پیگیری منافع

ملی بوده‌اند، با این تفاوت که در تعریف منافع ملی از نظر آنها، یک یا دو عامل بر بقیه ترجیح داشته است.

در مجموع از نظر نگارندگان دو دسته منافع دفاعی و امنیتی و منافع ایدئولوژیک بر دو دسته دیگر ترجیح دارد. این در حالی است که برای مثال در دولت اعتدال با توجه به گفتمان دولت مبنی بر تنش‌زدایی و رابطه با جهان، تصمیم‌گیری‌ها اکثراً در جهت منافع معطوف به نظم جهانی بوده است. در واقع دولت اعتدال راه رسیدن به منافع اقتصادی و امنیت را در حفظ روندهای موجود در نظم بین‌الملل می‌دانسته است. بنابراین دولت اعتدال به اندازه‌ای برای رابطه با کشورهای بزرگ تلاش کرد، برای گسترش رابطه و حفظ روندهای موجود در ارتباط با کشورهای همسایه متحد ایران تلاش نکرد؛ به‌گونه‌ای که در برخی موارد حتی سیاست خارجی دولت یازدهم در غرب آسیا با هویت نظام جمهوری اسلامی، مغایر بوده است (نک. زارعی، ۱۳۹۶).

در مقام جمع‌بندی این بخش باید گفت، استفاده حداکثری از فرصت‌های اقتصادی ناشی از حضور ایران در برخی از پرونده‌های منطقه‌ای مانند پرونده داعش در عراق و سوریه از ابتدا در برخی از دولت‌ها به‌صورت پررنگ پیگیری نشد، تنها در دوره تنگنای شدید اقتصادی بود که با تلاش‌های سردار شهید حاج قاسم سلیمانی طراز تجاری ایران با عراق به‌صورت چشمگیری افزایش یافت و به نوعی ایران در وضعیت بهتری در دوران تحریم قرار گرفت.

۲-۳. روندهای حاکمیتی و تدبیر مقاومت

پشتیبانی از جبهه مقاومت طبق اصل ۱۵۴ قانون اساسی ایران و ذیل مبحث حمایت از مبارزه حق‌طلبان مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان؛ به‌صراحت اشاره شده است (منصور، ۱۳۸۸، ص. ۵۹). همان‌طور که مشاهده می‌شود قانون اساسی در این مورد، هیچ‌گونه قیدوبندی ذکر نکرده است. روندهای حاکمیتی در مدیریت سیاست خارجی ایران عموماً و در پرونده‌های مربوط به مقاومت خصوصاً، به‌گونه‌ای در حقوق اساسی ایران دیده شده است که طبق نظر دهقانی فیروزآبادی نوعی سیاست عقلانی چندلایه است (خواجه سروی، ۱۳۹۰، ص. ۴۸۰). تصمیم‌سازی در سیاست خارجی، طبق حقوق اساسی ایران چنان بین‌نهادی دیده‌شده که از هر گونه سیاست‌ورزی

شخص محور و یکجانبه‌گرایانه جلوگیری می‌کند: رهبر انقلاب اسلامی (منتخب مجلس خبرگان)، رئیس جمهور (منتخب ملت) شورای امنیت ملی (با ترکیبی انتصابی و انتخابی)، وزارت خارجه (با وزیری منتصب، منتخب ملت)، کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی (منتخب ملت)، کمیته روابط خارجی (با ترکیبی انتخابی از مجربین این حوزه). این نوع تقسیم‌بندی کار و سیاست‌ورزی چندلایه عقلایی باعث نوعی ثبات در تصمیم‌سازی در سیاست‌گذاری خارجی می‌شود، بدیهی است پرونده‌های نهضتی نیز از این قاعده مستثنی نیستند و تغییر در بخشی از نهادهای انتخابی یا انتصابی موجب تغییر عمده در سیاست‌ورزی خارجی نخواهد شد. به هر صورت چون سیاست خارجی ایران مبتنی بر دین و ایدئولوژی اسلامی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص. ۴۹۲) و چنین نگاهی در اصول مختلف قانون اساسی تصریح شده، خروجی آن نوعی سیاست خارجی رسالت‌محور و تکلیف‌گرا می‌شود که نسبت به هزینه‌کردهایش در سیاست خارجی، لزوماً دیدگاهی فایده‌گرایانه ندارد، هر چند می‌توان از نگاه سود و زیان برای هزینه‌کرد جمهوری اسلامی ایران در اداره روند مقاومت مزایای بسیاری ذکر کرد که کمترین آن حفظ کیان ایران از خطر تکفیر و تروریسم است. از این رو پرونده‌های مرتبط با حمایت از نهضت‌ها و نیز حمایت از کشورهای محور مقاومت اولاً جزء لاینفک روح حاکم بر قانون اساسی کشور است و ثانیاً. گاهی ورود به برخی از این پرونده‌ها را باید فراتر از سود و زیان‌های اقتصادی نگریست. در ادامه این بحث جایگاه امنیت ملی در هزینه‌های انجام‌شده برای اداره روند مقاومت تشریح می‌شود.

۳-۳. مقاومت در میانه حل دشواره امنیت ملی و وضعیت اقتصادی

امنیت به‌عنوان یک کالای عمومی، زیرساخت ذهنی و عینی همه مسائل اقتصادی است و بنابراین امروز دولتی در جهان وجود ندارد که برای امنیت شهروندانش هزینه نکند. بدون شک اقتصاد دفاع و به‌طور کلی هر مسئله‌ای که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم ذیل دفاع از امنیت قرار گیرد، زیرمجموعه‌ای از اقتصاد بخش عمومی است (هارتلی؛ ساندرلر و بیضائی، ۱۳۸۳، صص. ۸۵-۸۷). جمهوری اسلامی ایران برای حفظ جامعه از گزند تروریسم، راهبرد مرزهای مجازی را سرلوحه خود قرارداده و ضمن ائتلاف‌سازی علیه صهیونیسم، تکفیر و آمریکا، خاکریزهای خود را هزاران کیلومتر دورتر قرارداده است.

ایران توانسته با تقویت بنیان دفاعی بومی خود از طرفی و ائتلاف‌سازی و شبکه‌سازی گروهی از همپیمانان خود، هزینه‌های جنگ غرب و رژیم صهیونیستی علیه ایران را بالا ببرد. طبیعی است که برای به‌وجود آوردن چنین وضعیتی باید هزینه کرد، اما همان‌طور که گفته شد، با وجود این، هزینه‌های ایران برای اداره مقاومت نسبت به هزینه‌های سرسام‌آور بسیاری از کشورها، از جمله برخی همسایگان بسیار اندک است (خبرگزاری برنا، ۱۳۹۹). تحلیل ارقام بیان‌شده (از حداقل‌ها تا حداکثرهای اعلامی) در نهایت نشان می‌دهد که با توجه به شرایط تاریخی و اهداف راهبردی ایران، این مبلغ زیاد در سطح منطقه ای و بین‌المللی، زیاد نمی‌باشد. باید توجه داشت که یکی از نکات قابل توجه یک سده گذشته در تاریخ ایران، مورد تهدید قراردادن ایران به دلایل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی بوده است. ایران در جریان جنگ‌های جهانی اول و دوم آسیب زیادی دید و عملاً اشغال شد، حتی در دوره محمدرضا پهلوی با وجود مورد حمایت بودن ایران توسط بلوک غرب، اما هزینه‌های سرسام‌آوری برای خرید، تجهیزات و ادوات نظامی جهت گسترش حوزه نفوذ در مناطق اطراف ایران صورت می‌پذیرفت. صرف نظر از شخصیت شاه و وجود روحیه نظامی در وی (زونیس، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۶)، تحقیر تاریخی ایران توسط قدرت‌های بزرگ در مقاطعی چون جنگ‌های جهانی (وزارت امور دارایی و اقتصاد، ۱۳۲۳، صص. ۶-۱) و یا کودتای ۲۸ مرداد، مسئله‌ای نیست که بتوان از آن صرف نظر کرد. حفظ جانب احتیاط در برخورد با تهدیدهای خارجی، بخشی از حافظه تاریخی ملت ایران است و به‌صورت جزئی از فرهنگ سیاسی ایران درآمده است (خواججه سروی؛ مرشدی‌زاد و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۲۵۰).

۳-۴. ملاحظات اقتصادی و محور مقاومت

تأثیر تنگناهای اقتصادی بر اداره روند مقاومت و نیز تأثیر مخارج اداره روند مقاومت بر وضعیت اقتصاد ایران، دو موضوع مهم از منظر اقتصاد سیاسی هستند:

الف. تنگناهای اقتصادی و مقاومت

ثبات اقتصادی و دسترسی به منابع مالی، قدرت مانور دولت‌ها را در پرونده‌های سیاست خارجی افزایش خواهد داد. اما در وضعیتی که تنگناهای اقتصادی به‌وجود آمده‌اند، به‌طور طبیعی مسئله هزینه‌کرد در بخش مقاومت ممکن است مورد سؤال واقع

شود. این وضعیت ریشه در دو پدیده دارد:

اول. ضعف مدیریت اقتصاد ملی و سوءاستفاده رسانه‌های غربی: آمارهای رسمی در اقتصاد ایران نشان می‌دهد تصحیح توزیع درآمد و تصحیح روندهای أخذ مالیات تأثیری مستقیمی بر عدالت اقتصادی و رشد شاخص‌های اقتصاد خواهد گذاشت. اما شکل اداره اقتصاد در ایران به گونه‌ای است که بیشتر درآمدهای دولت از اقسار ضعیف و متوسط دریافت می‌شود و بیشتر هزینه‌های دولت (مانند وام‌های کلان و کم بهره) توسط افراد ثروتمند صورت می‌پذیرد (صمدی؛ زاهد مهر و فرامرزی، ۱۳۸۷، ص. ۵). این مسئله هم اقتصادی آسیب‌پذیر رقم می‌زند و هم به شدت سرمایه اجتماعی را فرسایش می‌دهد و زمینه نارضایتی آحاد جامعه را ایجاد می‌کند. مردم ناراضی نیز تحت تأثیر القائاتی از این دست که مخارج اداره مقاومت باعث وضعیت اقتصادی امروز شده، قرار می‌گیرند. بنابراین ملاحظه نخست به اصلاح روندهای اقتصاد ملی بازمی‌گردد تا بتواند هزینه‌های اندک و معقول مقاومت را در سیاست خارجی، توجیه نماید.

دوم. برون‌گرایی اقتصادی افراطی در راستای جذب سرمایه‌های خارجی. به واسطه حاکمیت این نگاه افراطی، توسعه و بهبود اقتصادی کشور صرفاً در گرو مساعدت نیروی‌های خارجی دانسته شده و در نتیجه مقاومت به عنوان عامل مخل در جلب رضایت بازیگران خارجی تفسیر شده است. اگرچه برخی از دولت‌ها این رویکرد را در دستورکار خود داشته‌اند، اما تصریح کلام رهبری و تجارب تاریخی نشان از عدم صحت آن دارد. واقع امر آن است که ثبات اقتصادی وابسته به متغیرهای زیادی در اقتصاد کلان است؛ متغیرهای کنترلی یا ابزاری که مدیریت مستقیم آنها بر عهده دولت است؛ متغیرهایی چون نرخ ارز، حجم پول، مخارج عمومی دولت؛ همگی در ثبات اقتصادی کشور مؤثر هستند (فتحی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۷۴). بدیهی است ریشه تمامی موارد مزبور از جنس مدیریتی و کارآمدی نهادهای اقتصادی و مالی است. از این رو حتی اگر دولت کنونی بتواند با امتیازدهی‌های بیشتر موفق به جذب سرمایه‌گذاری خارجی شود، سرمایه‌گذاری خارجی در چنین بسترهای ناسالم اقتصادی راه به جایی نخواهد برد.

ب. وجوه سلبی و ایجابی هزینه‌های اقتصادی مقاومت

صرف نظر از اینکه در همه نظام‌های سیاسی دنیا بحث مخارج مربوط به امنیت ملی، حفظ دستاوردهای سیاست خارجی و حوزه نفوذ و عمل به تعهدات بین کشورها امری معمول و پذیرفته است، با وجود این مقایسه بین مخارج نظامی - امنیتی ایران با سایر کشورها، به خوبی نشان می‌دهد که ایران حتی نسبت به میزان متعارف جهانی در این خصوص کمتر هزینه می‌کند. طبق آخرین آمار هزینه‌های نظامی ایران ۱۷ میلیارد دلار بوده که کمتر از یک چهارم هزینه‌های نظامی عربستان سعودی است (ایسنا، ۱۳۹۹). نکته مهمی که در این خصوص وجود دارد، هزینه‌های نظامی ایران بیشتر از جنس سرمایه‌گذاری و ایجاد زیرساخت‌های تولیدی بوده و نه خرید سلاح از سایر کشورها که این موضوع طی یک برنامه‌ریزی صحیح می‌تواند برای اقتصاد کشور بسیار راهگشا باشد. توافقات نظامی و راهبردی بین ایران و کشورهای عراق و سوریه می‌تواند شروع خوبی برای صادرات تسلیحات ایرانی باشد.

در مجموع، بخش قابل توجهی از تنگناهای اقتصادی کشور مربوط به حکمرانی اقتصادی ناصحیح کشور است و گره خوردن مسئله اقتصاد بر نقش‌آفرینی کشور در محور مقاومت بر اساس آمار منتشر شده و موجود، صحیح نیست. از طرف دیگر مخارج نظامی ایران که اغلب بر اساس تولید بومی تجهیزات طی سال‌های اخیر حرکت کرده، در پیوندهایی که با جبهه مقاومت و قراردادهای راهبردی نظامی و امنیتی وجود دارد، می‌تواند به ارزآوری بیشتر در اقتصاد کشور کمک نماید.

۴. تحلیل اقتصاد سیاسی مقاومت در حوزه خارجی

گذشته از عوامل داخلی کارشناسان اقتصادسیاسی به طیفی از عوامل خارجی نیز نظر دارند که در شکل‌گیری و استمرار مقاومت تأثیر دارد:

۴-۱. الگوی مدیریت سیاست خارجی و مقاومت

اقتضای راهبرد مقاومت و شرایط ویژه ایران آن است که الگویی فعال در حوزه سیاست خارجی داشته باشد. مهم‌ترین ملاحظات مقاومتی در این سطح تحلیل عبارت‌اند از:

الف. تقسیم کار راهبردی متناسب با اهداف مقاومت

یکی از ارکان سبک رهبری آیت‌الله خامنه‌ای طی چند دهه گذشته، تقسیم کارها برای مدیریت پرونده‌های ویژه در سیاست خارجی کشور بوده است. اساساً نقش‌آفرینی نیروی قدس سپاه در پرونده‌های نهضتی و نیز برخی از پرونده‌های دشوار که صرفاً بعد سیاسی و رسمی ندارد، به عنوان یکی از دستاوردهای مثبت کشور در حکمرانی محسوب می‌شود. وجود نهادی برای مدیریت پرونده‌های دشوار امنیتی و نظامی در ورای مرزها، مسئله‌ای راهبردی و سرنوشت‌ساز است. انتخاب مسئول این پرونده که مستقیماً از سوی مقام رهبری صورت می‌گیرد، نشان‌دهنده سطح بالای عقلانیت در نظام برای اتخاذ تصمیم‌های سخت در وضعیت‌های دشوار و فرصت‌های محدود برای تصمیم‌گیری است. در چنین ساختاری است که برخی از بازیگران فرامرزی کشور می‌توانند فراتر از مناسبات سیاسی و رسمی در ساحت امنیت و اقتصاد کشور، نقش‌آفرینی داشته باشند.

ب. تصمیم‌گیری راهبردی و مؤثر در زمان مناسب

اگرچه در خصوص اداره سیاست خارجی عموماً و اداره نهضت‌ها و دستاوردهای آن به‌عنوان بخشی از پرونده‌های مفتوح در سیاست خارجی به‌صورت خاص، در قانون اساسی به‌صورت ساختاری تفکیک وظایف صورت پذیرفته است؛ اما گاهی در شرایط دشوار و خاص با وجود ساختارهای قانونی، نقش عوامل مبتنی بر نقش و عوامل فردی بسیار پررنگ شده؛ به‌صورتی که نمی‌توان تأثیر تصمیم‌های عوامل مبتنی بر نقش را نادیده گرفت. در این موارد با تصمیم‌های سرنوشت‌سازی روبرو هستیم که اگر به موقع اتخاذ نشوند کل نظام سیاسی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. از جمله این تصمیم‌ها ورود به موقع جمهوری اسلامی ایران در حوادث سوریه و عراق بود. به‌عبارتی این بحث اهمیتی به غایت سرنوشت‌ساز داشت که آیا در بحبوحه وضعیت بحرانی اقتصاد در سال ۹۰-۹۱ آیا بازکردن یک پرونده هزینه‌بر ضرورت دارد؟ در ابتدای بحران سوریه برخی از مقامات در خصوص ورود ایران به حوادث سوریه به‌صورت مستشاری و میدانی تردید داشتند؛ به‌عنوان مثال رئیس‌جمهور دولت دهم در مصاحبه با الجزیره نسبت به ورود نظامی و میدانی ایران به قضایای سوریه به‌صراحت اعلام کرد: «بنده

هرگز به طرفداران جنگ در سوریه نخواهم پیوست» (پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، ۱۳۹۱). البته در سطح مقامات عالی کشور برخی شخصیت‌های مهم دیگر نیز با نقش‌آفرینی ایران در جریان مقابله با داعش مخالفت‌هایی وجود داشت (جهان‌نیوز، ۱۳۹۲). اگرچه نظر ایشان در نگاه اول جذابیت داشت، اما واقعیت سوریه چیز دیگری بود. امروز بر همگان مشخص شده که تکفیری‌های چندملیتی صرفاً به سوریه قانع نبودند. آنها بخش قابل توجهی از عراق را نیز تصرف کردند و تا نزدیکی مرزهای ایران پیش رفتند. آنها حتی در صدد ضربه زدن به امنیت ملی ایران با طرح‌های تروریستی خود در مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) بودند. اگر قرار بود ایران به دنبال رسیدن به تفاهم ملی، از ورود به موقع خود به حوادث خودداری کند؛ امروز قطعاً اوضاع امنیت ملی ایران در شرایط مناسبی نبود. در واقع هوش راهبردی نظام اسلامی در مقطعی سرنوشت‌ساز بین هزینه‌کرد در وضعیت بحران و سیاست صبر و انتظار، گزینه اول را انتخاب کرد و ترجیح داد با نگاهی فعال کلیت نظام جمهوری اسلامی و متحدین راهبردی آن را با وجود تنگناهای اقتصادی باری کند و از رهگذر این تصمیم، کلیت امنیت خویش را حفظ نماید، و هم به‌مثابه یک قدرت منطقه‌ای مزیت‌های نسبی خود در مواجهه با مستکبرین غربی را تثبیت و ارتقاء دهد. در نگاهی میان‌مدت و بلندمدت صرف‌نظر از مقاصد تکلیف‌گرایانه و رسالت‌محور در سیاست خارجی ایران، از چند جهت می‌توان حتی به آینده نقش این عوامل فردی در زمینه مباحث اقتصادی و برگشت هزینه‌های ایران در سوریه امیدوار بود. جایگاه راهبردی ایران در سوریه می‌تواند در شکل‌دهی به برخی روندهای اقتصادی به نفع سوریه و ایران در دوران پس از جنگ، بسیار مهم و تأثیرگذار باشد. به‌واسطه حضور مستشاری ایران در عراق و سرکوب داعش در این کشور و کمک به حفظ تمامیت سرزمینی این کشور و نیز اعتماد ایجادشده، شاهد تقویت مناسبات با طرف عراقی در همه زمینه‌ها و از آن جمله تجارت هستیم. تجارت ایران و عراق از ۸۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۸۷ به ۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۸ رسید. اهمیت این رقم زمانی مشخص‌تر می‌شود که بدانیم این رقم غیر از صادرات برق، درآمدهای مربوط به حمل‌ونقل و صادرات خرد و چمدانی ایرانی‌ها به کشور عراق است (وطن امروز، ۱۳۹۸).

۲-۴. روندهای منطقه ای و بین‌المللی با توجه به شکل‌گیری داعش

سربرآوردن تکفیر در منطقه غرب آسیا، پشتیبانی راهبردی، مالی، سیاسی و نظامی آن در سطوح عالی توسط برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس، آمریکا و هم‌پیمانانش؛ بیانگر شکل‌گیری تهدیدی جدید و بسیار بزرگ بود. تهدیدی که هم‌ایدئولوژی دارد (بخشی شیخ احمد؛ بهاری و وهاب‌پور، ۱۳۹۲، صص. ۱۳۷-۱۳۶) و هم بازیگری حرفه‌ای است و تقریباً از همه ظرفیت‌های قبلی در طراحی خود استفاده می‌کند. در چنین وضعیتی از طرفی عدم مواجهه مستقیم ایران، می‌توانست امنیت کشور را با تهدید مواجه نماید؛ و از طرف دیگر داشته‌های نهضتی، سیاسی و عقیدتی جمهوری اسلامی را به چالش کشیده و بی‌معنا سازد؛ تهدیدی که اهمیت به‌غایت بالاتری نسبت به برخی هزینه‌ها در طی چندسال اخیر داشت. منطقاً سرمایه‌های نهضتی ایران کالای ارزانی نبود که وجه‌المصالحه مناسبات اقتصادی ما با برخی کشورها قرار بگیرد. اساساً هیچ تضمینی وجود نداشت و ندارد که حتی در صورت مصالحه کردن این داشته‌ها، کمکی به بهبود جریان اقتصاد در ایران باشد. در خصوص هزینه‌های ایران در کشورهایمانند سوریه، در ابتدا صداهایی در داخل مبنی بر هزینه‌کرد مداخله‌جویانه و غیرمنطقی ایران به گوش می‌رسید اما زمانی که بخش قابل توجهی از اراضی عراق به تصرف داعش درآمد و زنگ‌های خطر حضور داعش در استان‌های شرقی و هم‌جوار ایران از جمله دیالی و کرکوک عراق به صدا درآمد، بر همگان روشن شد که جنگ علیه داعش اقدامی ضروری است. با توجه به سیال بودن پدیده تروریسم همواره این نگرانی وجود داشته که چه‌بسا هسته‌های داعش در داخل مرزهای ایران شروع به فعالیت نمایند، از این‌رو ضرورت دارد ریشه این پدیده در بیرون از مرزها خشکانده شود. حضور نیروهای داعش در مناطق شمالی و مرکزی عراق و هم‌جواری آنها با برخی از مناطق نفتی و زیرساخت‌های پتروشیمی و نیز اقتصادی کشور در استان‌های ایلام و کرمانشاه، مسئله بسیار خطرناکی بود که در اثر تثبیت برخی از مناطق اشغال‌شده توسط آنها در آینده می‌توانست مشکلات بغرنجی برای اقتصاد و در کل امنیت کشور ایجاد نماید.

۳-۴. مقاومت و تحریم‌های خارجی

تحریم‌ها در سه محور بر وضعیت اقتصادی ایران، جهت تقلیل قدرت مانور ما در حوزه

همراهی با جبهه مقاومت، تاثیر داشتند:

محور (۱). پایه‌های اقتصادی ایران را با استفاده از تحریم‌ها هدف قرار دادند تا سیاست مقاومت کشور را تضعیف و یا کند نمایند.

محور (۲). کانال‌های مالی را به منظور محدود نمودن و یا حتی مسدود نمودن راه‌های ارتباط گیری ایران با بازیگران جبهه مقاومت، هدف قرار دادند.

محور (۳). طراحان نظام تحریم تلاش داشتند تا فضای روانی کشور برای تغییر اولویت‌های نظام در حوزه مقاومت را تحت تاثیر خود قرار دهند. در قالب چنین طرحی است که مشاهده می‌شود این انگاره پرننگ می‌گردد که: در دوره سختی به جای هزینه‌های بیرونی می‌بایست به داخل پرداخت. این وضعیت برخی از بازیگران در سپهر سیاسی ایران را به سمت تمنای اصلاح وضعیت از طریق مصالحه با غرب و تضعیف سیاست حمایت از جبهه مقاومت، سوق داد. اوج این نگاه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ رخ داد و شعار برداشتن تحریم به پیروزی دولت جدید کمک کرد. در همین راستا می‌توان به طرح موضوعاتی مانند برجام ۲ و ۳ و یا برجام منطقه‌ای اشاره داشت. البته تحلیل فراز و فرودهای پرونده برجام طی سال‌های بعد نشان می‌دهد که غرب مایل به دادن امتیاز مهم و راهبردی در قبال عقب‌نشینی احتمالی ایران در برخی از پرونده‌های منطقه‌ای، نیست.

۴-۴. مقاومت و تعهدات بین‌المللی دولت‌ها

یکی از موارد مهم که به لحاظ اقتصادی در روند اداره مقاومت مؤثر می‌باشد، تأثیر تعهدات رسمی و غیررسمی دولت‌هاست. پس از شکل‌گیری برجام، مسئله‌ای که همواره در کانون توجه مخالفان این برنامه بوده، تعهدات فرامتنی و غیررسمی دولت یازدهم و دوازدهم با طرف‌های غربی بوده است. مسئله‌ای که شواهد نشان می‌دهد اتفاق افتاده، پیوستن به توافقاتی چون «گروه ویژه اقدام مالی» یا همان FATF و کنوانسیون‌های بین‌المللی چون «کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی» یا همان کنوانسیون پالرمو است که به نظر می‌رسد، همزمان با رسیدن به برجام، مقامات ایرانی متعهد به پیوستن به آن شده‌اند. اینها مواردی هستند که به صورت مستقیم حمایت ایران از مقاومت را هدف قرار داده‌اند. به‌عنوان مثال قرار داده شدن حزب‌الله به عنوان یک

گروه جنایتکار بین‌المللی در لیست سیاه کنوانسیون پالرمو و الزام اعضای این پیمان در همکاری برای محدود کردن کانال‌های مالی، نشان‌دهنده این موضوع مهم است که اساساً فلسفه نگاه غرب به مبحث تروریسم با نگاه ایران اختلافی مبنایی و جوهری دارد. چطور می‌توان عضو این پیمان بود و درعین حال مدعی حمایت از جبهه مقاومت هم بود. در این میان برخی صاحب‌نظران معتقدند در کنوانسیون‌های بین‌المللی هر یک از اعضا می‌توانند مشروط در پیمان عضو شوند (الیاسی، ۱۳۸۳، ص. ۱۷)، به این معنا که به‌صراحت از ابتدای عضویت اعلام کنند که بنایی به اجرای برخی از بندهای پیمان‌نامه ندارند. اینکه ایران بتواند با هدف گرفتن بهانه از دست طرف غربی به‌صورت مشروط عضو پیمان پالرمو شود و درعین حال از ایجاد اختلال در روند حمایت از مقاومت جلوگیری نماید، نیاز به مطالعه کارشناسی عمیقی دارد اما در یک نگاه کلی می‌توان گفت؛ روح کلی این کنوانسیون و FATF با دیدگاه‌های ایران در مسائل منطقه‌ای به کل مغایر است. شاید بتوان به طریقی معضل کنوانسیون پالرمو را با مشروط کردن برخی بندها به عدم اجرا حل کرد، اما مبحث FATF که اساساً خروجی آن اشراف غرب به سامانه مالی، انتقالات مالی و اساساً رصد دائمی کانال‌های مالی ایران می‌انجامد مسئله‌ای نیست که بتوان به راحتی از کنار آن گذشت، زیرا مصداق بارز زیرپا گذاشتن قاعده نفی سبیل است.

در مجموع پرونده هسته‌ای و نقش‌آفرینی کشور در حمایت از محور مقاومت دو مورد از مسائلی است که ساختارهای تحریمی را علیه ایران شکل داده است. صرف‌نظر از تجربه برجام، تجربه سال‌های اخیر نشان‌دهنده، طرف غربی به دلیل خوی استکباری، خود را در مقام مذاکره هم‌سطح ایران نمی‌داند، در مقام مذاکره زیاده‌خواه هستند و به تعهداتی که طی ماه‌ها مذاکره نیز به‌وجود می‌آید چند پایبند نیستند. در چنین فضایی سنت واقع‌گرایی در روابط بین‌المللی به ما آموخته که از رهگذر مقاومت می‌توان امتیازات بیشتری دریافت کرد. این تجربه در سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ شمسی شاید در میان نخبگان سیاسی کشور وارونه بود؛ چراکه اغلب این استدلال وجود داشت که نمی‌توان کشور را برای مدتی طولانی در چنین وضعیتی نگه داشت و وضعیت اقتصادی را بایستی با برخی امتیازدهی‌ها در پرونده هسته‌ای بهبود بخشید. اما امروز علی‌رغم تجربه تلخ برجام برای افکار عمومی، این مسئله روشن شده که بحث بهبود وضعیت

اقتصادی از راه انضباط مالی و حکمرانی اقتصادی مناسب در ساحت داخلی و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های خارجی در دسترس (یعنی کشورهای دوست و عضو جبهه مقاومت) می‌گذرد. طبق نظرسنجی دانشگاه مریلند در سال ۱۳۹۸ حدود ۵۹ درصد از ایرانی‌ها معتقد بودند ایران نیز مانند آمریکا باید از این توافق خارج شود. حدود ۷۴ درصد از مردم ایران از سیاست جدید کشور برای عبور تدریجی از محدودیت‌های برجام حمایت می‌کنند. طبق این نظرسنجی بیش از ۷۵ درصد مردم ایران معتقدند، حتی اگر آمریکا قول دهد که تحریم‌ها را کم کند، باز هم ایران نباید غنی‌سازی هسته‌ای را متوقف کند (Iranian Public Opinion under 'Maximum Pressure', 2019).

۴-۵. مقاومت و روندهای ساخت یافته در حوزه تجارت و اقتصاد خارجی

معمولا ارتباط کشورها با دیگر نهادهای منطقه ای و بین المللی و یا سایر کشورها را به عنوان سازوکاری مهم در ایجا فضای مناسب برای رشد و توسعه ذکر می نمایند. به همین خاطر است که تحریم را چون می تواند این حوزه را محدود سازد، پدیده ای خطیر و تهدیدی جدی معرفی می کنند. اگر چه نمی توان این ملاحظه را نادیده گرفت، اما باید توجه داشت که بحث روندهای اقتصادی شکل گرفته در داخل یک کشور از اهمیت و تاثیر به مراتب بیشتری برخوردار است. بنابراین نباید به بهانه آثار ناشی از تحریم از ظرفیت های نهفته در سایر حوزه ها غفلت نمود. برای مثال گاهی اوقات حتی با رفع یا تعلیق تحریم‌ها، شاهد آن هستیم که نتایج مطلوب بدست نیامده اند. دلیل این امر آن است که بعضا ساخت های اقتصادی ناکارآمدی در کشور شکل گرفته و حاکم شده اند که در صورت نبود تحریم هم درست عمل نمی نمایند. با این توضیح مشخص می شود که حتی اصلاح سیاست مقاومت هم نمی تواند رافع این معضلات باشد؛ و راه حل آن را باید در جای دیگری جستجو نمود. به نظر می‌رسد ناظر به فضای تنفسی اقتصاد در ارتباط با بیرون، سه دغدغه کلی وجود دارد:

یکم. خطر بازگشت تحریم‌ها به مرادوات اقتصادی ما با دنیا؛

دوم. پرهیز نکردن از ارزشهای مرجعی که غرب می‌تواند از آن به‌مثابه اهرم استفاده کند؛ سوم. دست‌کم گرفتن اقتصاد کشورهای دوست و متحد.

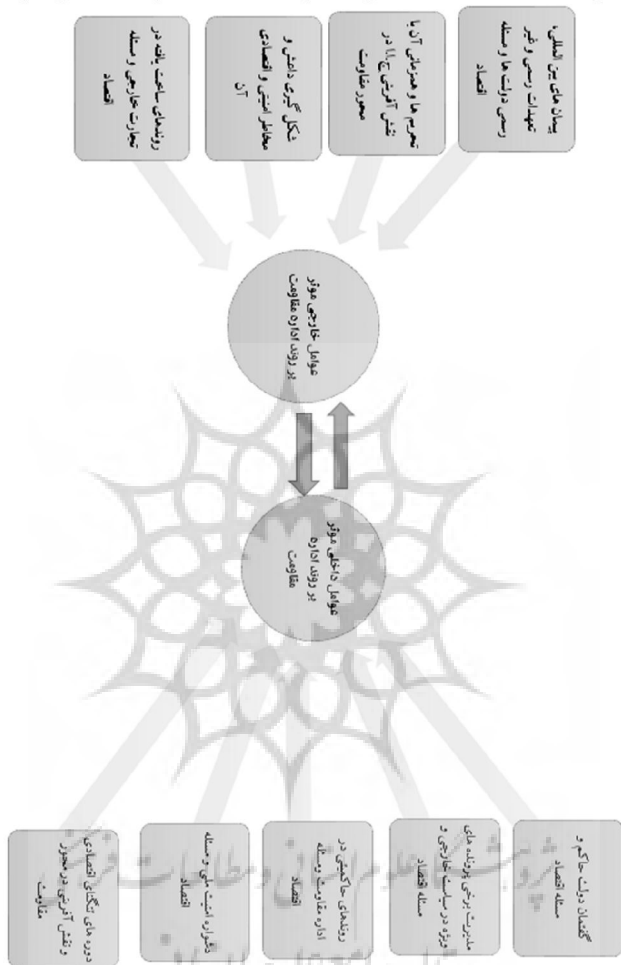
یکی از آفات رفتاری دولت یازدهم و دوازدهم خلاصه کردن فضای تنفسی اقتصاد

نسبت به ارتباط با کشورهای غربی است؛ درحالی‌که نباید کشورهای دوست و متحد را در این راستا نادیده گرفت. به‌عنوان مثال ارتباط نزدیک و برادرانه ما با دولت عراق طی سال‌های اخیر برکسی پوشیده نیست، اما این در حالی است که بازار عراق توسط شرکت‌های غربی، ترکیه‌ای به تسخیر درآمده است. رونق این بخش که زمینه آن مهیاست می‌تواند کمک شایانی به رونق چرخ اقتصاد کشور باشد. ازاین‌رو این نگاه نادرست باید تصحیح شود که پیوسته بخشی از کشورهای اروپایی در اولویت باشند و از فضای تنفسی اقتصاد ایران در سایر حوزه‌ها (مانند عراق، سوریه، آسیای میانه و قفقاز) غفلت شود. اگر از این منظر به سیاست مقاومت نگریسته شود، «مقاومت» نه تنها محدود کننده فضای تنفسی کشور برای توسعه و پیشرفت نیست، بلکه دارای ظرفیت بالا جهت فضا سازی مطلوب نیز است.

نتیجه‌گیری

صرف‌نظر از دشمنی‌های آشکار و عملیات روانی گسترده غرب علیه ایران در راستای پُررنگ نشان دادن مسئله هزینه‌های ایران در حمایت از محور مقاومت، باید گفت هر کشوری مقتضیات و شرایط خود را داراست و قیاس بین برخی کشورهای شرقی و غربی با ایران اساساً قیاسی نادرست است. تاریخ تحولات جمهوری اسلامی ایران نشان‌دهنده کودتاهای متعدد، طولانی‌ترین جنگ قرن بیستم (جنگ تحمیلی)، بزرگ‌ترین لشکرکشی‌های دنیا پس از جنگ سرد (لشکرکشی به افغانستان و عراق در نزدیکی مرزهای ایران)، شکل‌گیری تروریسم جدید در نزدیکی مرزهای ایران شامل القاعده، طالبان و داعش بوده، به‌صورتی‌که، مرزها، قومیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی و به نوعی آحاد جامعه ایران همگی در معرض تأثیرات شکل جدید تروریسم قرار گرفتند. این مسائل نشان می‌دهد که شرایط ایران با سایر کشورهایی که بعضاً با ایران مورد مقایسه قرار می‌گیرد، اساساً متفاوت است. بنابراین راهبردها و سیاست‌های ما نیز متفاوت خواهد بود. در این مقاله درمجموعه‌ی محور برای تبیین اقتصاد سیاسی نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در جبهه مقاومت مورد مذاقه قرار گرفت، که به‌صورت مختصر در شکل شماره ۲ نمایش داده شده است.

شکل شماره (۲): اقتصاد سیاسی راهبرد مقاومت جمهوری اسلامی ایران



(طراحی توسط نویسندگان)

کتابنامه

- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲). *مقاومت در اسلام: نظریه و الگو*. تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- الیاسی، مرتضی (۱۳۸۳). «حق شرط بر معاهدات بین‌المللی». فصلنامه معرفت. شماره ۸۲.
- آدمی، علی، کشاورز مقدم، الهام (۱۳۹۴). «تحول هندسه قدرت در پرتو ماهیت فرهنگی و ژئوپلیتیک منطقه ای قدرت، مطالعه موردی تحولات غرب آسیا»، پژوهش‌های راهبردی سیاست. ۱۶(۱)، ۱۲۱-۱۳۹.
- باقری، محسن، امیدی، علی، یزدانی، عنایت‌الله (۱۴۰۰). «تاثیر محور مقاومت بر عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات سیاسی جهان اسلام. ۱۰(۲)، ۶۵-۹۲.
- بخشی شیخ احمد؛ بخشی شیخ، بهاری، بهنام و وهاب وهاب‌پور، پیمان (۱۳۹۲). «بررسی ایدئولوژی گروه تکفیری - وهابی دولت اسلامی عراق و شام (داعش)»، فصلنامه علوم سیاسی. شماره ۶۴.
- بصری، مهدی، مجیدی‌نژاد، علی و موسوی، مهدی (۱۳۹۶). نقش الگوی انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری محور مقاومت اسلامی، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. ۱۴(۵۳)، ۷۴-۱۱۲.
- پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (۱۳۹۱). مصاحبه آقای احمدی‌نژاد با الجزیره، دسترسی در ۱۶ اردیبهشت ۲۰۱۸: <http://www.entekhab.ir/fa/news/78676>
- جهان نیوز (۱۳۹۲). انتشار صوت و فیلم سخنان آقای هاشمی رفسنجانی علیه سوریه، ۱۶ اردیبهشت ۲۰۱۸ (۱۱/۴/۱۳۹۲): <http://jahannews.com/analysis/310483>
- حسینی، سیدمحمدحسین، اسداللهی، سیدسروش (۱۳۹۳). «سیاست امنیتی ایالات متحده آمریکا در قبال محور مقاومت با تاکید بر کشورهای ایران و سوریه»، آرایه شده در: کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری، تهران.
- خبرگزاری اسپوتنیک ایران (۲۰۱۸). «هزینه‌های ایران در دیگر کشورها چقدر است؟»، دسترسی در ۱۵ اردیبهشت ۲۰۱۸: <https://ir.sputniknews.com/opinion/201611252017402>
- خبرگزاری ایسنا (۲۰۲۰). «مقایسه قدرت نظامی ایران با کشورهای منطقه»، دسترسی در ۱۲ اردیبهشت ۲۰۲۱: <https://www.isna.ir/news/99082013597/>
- خبرگزاری برنا (۱۳۹۶). «بودجه نظامی سال ۹۷ چقدر است؟» خبرگزاری برنا. دسترسی در ۱۶ اردیبهشت ۲۰۱۸، بخش سیاسی (۳/۶۴۷۳۲۵/۳) بودجه نظامی سال چقدر است: <https://www.borna.news/>
- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۹۰). *سیاست و حکومت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران:

- انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- خواجه سروی، غلامرضا، مرشدی‌زاد، علی، علینی، احسان (۱۳۹۰)، «بررسی و تحلیل تحریم های آمریکا از منظر جامعه‌شناسی تاریخی»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران. ۲۸، ۱۰۲-۷۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت. زارعی، سعدالله (۱۳۹۶). «سیاست خارجی دولت یازدهم در غرب آسیا با هویت نظام ج.ا.ایران مغایر بود»، دسترسی در ۱۳۹۶/۲/۲۴: <https://www.farnews/1406494/>
- زونیس، ماروین (۱۳۸۷). *روان‌شناسی نخبگان سیاسی ایران*، (پرویز صالحی، سلیمان امین‌زاده و زهرا لبادی، مترجم‌ها). تهران: چاپخش.
- صمدی، سعید؛ زاهد‌مهر، امین و فرامرز، ایوب (۱۳۸۷). «بررسی اثر سیاست‌های مالی دولت بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ایران»، *پژوهش‌نامه بازرگانی*. ۴۹(۱۳)، ۱۲۰-۹۹.
- فتحی، سعید؛ گوگردچیان، احمد؛ شهرکی، کاوه و عجم، علیرضا (۱۳۹۵). «بررسی اثر تروریسم بر بازده شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران»، *نشریه مدیریت*، ش ۳۳، دسترسی در <http://www.ensani.ir/fa/content/369058/default.aspx>
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۶)، تحلیل الگوی مقاومت در تفکر انقلاب اسلامی و حزب الله لبنان، *مجله آفاق امنیت*، ۱۵(۵۴)، ۷۵-۱۰۱.
- کریمی، ابوالفضل (۱۳۹۶)، «نقش ج.ا. ایران در هویت بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت»، *ماهنامه پژوهش ملل*، ۲(۲۰)، ۱۱۰-۱۳۴.
- متقی، ابراهیم، زهدی، یعقوب (۱۴۰۰). «بازدارندگی دفاعی ایران در دوران دفاع مقدس»، *پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی*. ۳(۹)، ۹۹-۱۱۶.
- محمودی رجا، سید زکریا، باقری دولت آبادی، علی، راوش، بهنام (۱۳۹۷)، «بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی»، *فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی*. ۷(۱۴)، ۷-۲۸.
- منصور، جهانگیر (۱۳۸۸). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ اصلاحات و تغییرات و متمم قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸*. تهران: دوران.
- مهدی پور، آسیه (۱۳۹۸)، «تبیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای»، *دو فصلنامه دانش سیاسی*، ۱۵(۲)، ۵۳۹-۵۶۶.
- نساج، حمید، گودرزی، مهناز، و گودرزی طاقانکی، یداله (۱۴۰۰)، «مبانی نظری محور مقاومت اسلامی با نگاهی بر انتر ناسیونالیسم اسلامی»، *فصلنامه راهبرد*. ۳۰(۹۹)، ۲۹۹-۳۳۲.

نکترلین، دونالد (۱۳۵۶)، «منافع ملی و سیاست خارجی»، فصلنامه روابط بین‌المللی. ۸۹-۵۴، (۱۲)۱۰

نوذری، فضل‌اله، مهرابی، حسین (۱۳۹۲)، «تبیین عوامل موثر ژئوپلیتیکی امارات متحده عربی و تاثیر آن بر امنیت ملی ج.ا. ایران (با تاکید بر امنیت سواحل استان هرمزگان)»، فصلنامه راهبرد دفاعی. ۱۱(۴۱)، ۱۲۷-۱۶۲.

نیکی تین، پیوتر ایوانوویچ (۱۴۰۱). *مبانی اقتصاد سیاسی*، (ناصر زرافشان، مترجم). تهران: آگاه. وزارت امور دارایی و اقتصاد (۱۳۲۳). گزارش خسارات وارده و منافع عاید شده ایران در جنگ جهانی دوم. تهران: انتشارات وزارت اقتصاد.

وزیریان، امیرحسین، گل محمدی ولی، علیزاده، علی (۱۴۰۰)، «ارزیابی نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهم‌تراز ج.ا. ایران در برابر سیاست مهار آمریکا»، فصلنامه راهبرد دفاعی. ۷۴، ۱۱۴-۷۸.

وطن امروز (۱۳۹۸)، «مقایسه قدرت نظامی ایران با کشورهای منطقه»، دسترسی در ۲۹ دی ماه. هارتلی، کیت؛ ساندلر، تاد و بیضائی، ابراهیم (۱۳۸۳). *منتخبی از موضوعات در کتاب اقتصاد دفاع*. تهران: سمت.

“Iranian Public Opinion under ‘Maximum Pressure.’” 2021. *Center for International and Security Studies at Maryland*. Accessed February 12. <https://ciissm.umd.edu/research-impact/publications/iranian-public-opinion-under-maximum-pressure>.